

بیان اینکه روزی نبوده که ابراهیم بیکار باشد، خاطرنشان می‌کند: این طور نبود که یک گوشه بنشیند و غر بزند، اگر می‌دید جایی کم‌کاری شده و نیاز به کار دارد خودش دست به کار می‌شد. در چندین فیلم سینمایی همکاری داشت همچون «بازمانده» ساخته سیف‌الله داد، «دفتری از آسمان» پرویز شیخ‌طادی و «موج مرده» ابراهیم حاتمی‌کیا. البته از زمان دانشجویی بیشتر با آقای حاتمی‌کیا کار می‌کرد. او اضافه می‌کند: در سال‌های پایان عمرش، نگرشش به فیلم‌سازی عوض شده بود و به سمت مستندسازی گرایش پیدا کرد. از سال ۷۵ که مستند «اندیشه حیات» را درباره جریان تفکر امام خمینی (ره) در شبه‌قاره هند و کشمیر ساخت، این گرایش پررنگ‌تر شد. در همان سفر، جنگ کشمیر درگرفت، مستندی در این باره ساخت و از جنگ آنجا هم عکاسی کرد.

#### در پی ارتقای فرهنگ بود

خدای دربارۀ اینکه چه چیزی در زندگی هنری ابراهیم اصغرزاده اهمیت داشت و در پی چه می‌گشت، می‌گوید: او در پی ارتقای فرهنگ بود و بسیار دغدغه فرهنگ را داشت. ولع و حرص آدم‌ها برای کسب مال دنیا برایش بسیار عجیب بود، اینکه عده‌ای چه راحت می‌توانند اخلاقیات را برای کسب مال و قدرت دنیوی زیر پا بگذارند، اذیتش می‌کرد و برایش دغدغه روانی ایجاد کرده بود چون دلسوز مردمش بود. به گفته او، مسئله فرهنگ برای ابراهیم خیلی مهم بود، اینکه به نسل پس از خودش، ابعاد و اثرات جنگ را بشناساند. اگرچه عده‌ای پس از تماشای مستند «شناسایی» به خاطر تلخی‌های زیاد این فیلم، ابراهیم را متهم کردند که او ضد جنگ است ولی خودش می‌گفت این‌ها اثرات جنگ است، حالا که جنگ اتفاق افتاده باید قدر و ارزش بازماندگان جنگ حفظ شود.

#### ماجرای نامه‌های ابراهیم به همسرش

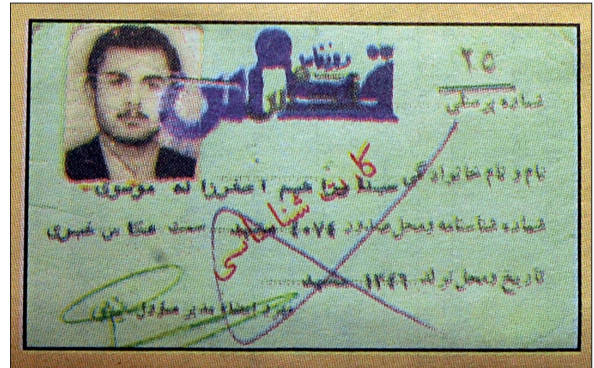
خدای دربارۀ مستند «ابراهیم در آتش» که براساس نامه‌های ابراهیم به او ساخته شده توضیح می‌دهد: این نامه‌ها به اوایل ازدواج ما مربوط می‌شود چون ابراهیم همیشه در سفر بود. به یاد دارم اولین خواسته‌اش برای ازدواج این بود که من سفر زیاد می‌روم، می‌توانی تحمل کنی؟ به او گفتم من هم همراهت می‌آیم. می‌گفت در شرایط سخت و اوضاع جنگی نمی‌توانی وادیت می‌شوی. این نامه‌ها به‌خاطر دوری در سفرهایش بود که بین ما رد و بدل می‌شد. اولین سفرش پنج ماه پس از عقدمان آغاز شد و حدود چهار ماه طول کشید. او برای فیلم «بازمانده» از سوی آقای داد دعوت شد و به سوریه رفت. این نامه‌ها مربوط به همان زمان است و محتوایی عاشقانه و عارفانه دارد. من تمام این نامه‌ها را نگه داشتم. او اضافه می‌کند: ابراهیم، عکاسی را پیش از جنگ آغاز کرد و علاقه‌مندی‌اش در حوزه عکاسی اجتماعی بود و شاکله ذهنی این آدم براساس نگاه هنری شکل گرفته بود. وقتی هم وارد جبهه‌های جنگ شد، دوربین نداشت و اولین عکس‌هایش را با یک دوربین امانی گرفت.

خدای با بیان اینکه او خبرنگار و عکاس روزنامه قدس بود، خاطرنشان می‌کند: این سابقه خبرنگاری در مسیر مستندسازی او تأثیر مثبتی داشت. به یاد دارم برای ساخت مجموعه مستند «نفس‌های ماندگار» باهم تحقیق می‌رفتیم. گاهی برخی از جانبازان همکاری نمی‌کردند و می‌گفتند فایده‌ای ندارد اما ابراهیم با قدرت متقاعدکنندگی بالایی که داشت، آن‌ها را راضی به مصاحبه می‌کرد. به‌شدت آدم متفکری بود و اگر حرف می‌زد در حال نقد و بررسی یک ماجرا بود.

#### حیف شد، زود از دنیا رفت

وی با اشاره به اینکه زندگی مشترک آن‌ها هشت سال به طول انجامید، در پاسخ به اینکه اگر حادثه سقوط هواپیما در سال ۸۰ رخ نمی‌داد و ابراهیم اصغرزاده هنوز در قید حیات بود، چه مسیری را در هنر طی می‌کرد، می‌گوید: از نگاه ابراهیم، خط باریکی میان فیلم مستند و داستانی وجود داشت و سینما برایش دارای بعد واقع‌گرایانه پررنگی بود. علاقه و گرایش بالایی به مستندسازی داشت و به برخی از دوستانش گفته بود سینمای داستانی، خواسته‌اش را تأمین نمی‌کند اما می‌دانم او گونه‌های مستند و داستانی را با هم ممزوج می‌کرد و اثری خاص می‌ساخت.

به‌نظرم اگر او هنوز در قید حیات بود، اتفاقات خوبی در فیلم‌سازی رقم می‌زد واقعاً حیف شد که از دنیا رفت. نه اینکه عزیز من باشد و بگویم حیف شد، شخصیتی بود که رفتنش برای عرصه فرهنگ و هنر کشور حیف بود. حوادثی مانند سقوط هواپیما در سال ۸۰ منجر به از دست دادن سرمایه‌های ارزشمند کشورمان شد و کسانی را در این حوادث از دست دادیم که دیگر تکرار نمی‌شوند.



همسر سید ابراهیم اصغرزاده مستندساز روایت

فتح و عکاس روزنامه قدس:

## از روزنامه‌نگاری به سینما رسید

«سید ابراهیم اصغرزاده» را بیشتر به عنوان دستیار ابراهیم حاتمی‌کیا می‌شناسند؛ کسی که نقش به‌یادماندنی «محمود» را در فیلم «مهاجر» ایفا کرد. جانبازی که عکاس، فیلمساز و بازیگر بود؛ یکی از هنرمندانی که مظلومانه در حادثه سقوط هواپیمای خرم‌آباد در ۲۳ بهمن ۱۳۸۰ از دنیا رفت.

اصغرزاده کار مطبوعاتی را با خبرنگاری و عکاسی برای روزنامه قدس آغاز کرده بود. او با اینکه در زمان انقلاب، پسر بچه بود در بسیاری از اجتماعات حضوری فعال داشت. پس از انقلاب و در زمان شهید هاشمی‌نژاد، کوچک‌ترین عضو حزب جمهوری اسلامی بود و در سال‌های آغازین جنگ، راهی جبهه و در عملیات خیبر از ناحیه فک مجروح شد. او پس از جنگ به مستندسازی روی آورد و آثاری تأثیرگذار ساخت.

«نوشین خدای» همسر ابراهیم اصغرزاده می‌گوید ابراهیم شخصیت پرجنب و جوشی داشت و به‌شدت پرجار بود. وقتی ۱۵-۱۴ ساله بود خودش را به جبهه‌های جنگ رساند و ذهنی متفاوت از همسالان خود در نوجوانی داشت. زمانی که به جبهه رفت، عکاسی هم می‌کرد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیتش در حزب جمهوری را آغاز کرد. او اضافه می‌کند: بسیاری ابراهیم را به عنوان یک آدم فعال می‌شناختند، کسی که همزمان با فعالیت‌های اجتماعی‌اش، مطالعات دینی و فلسفی عمیقی هم داشت. پس از مجروحیتش در جبهه و پایان جنگ، وارد دانشگاه شد و رشته سینما را انتخاب کرد. در نخستین سال دانشجویی‌اش در فیلم «مهاجر» بازی کرد و پس از آن دستیار آقای حاتمی‌کیا در «وصل نیکان» شد و همکاری‌اش با این کارگردان ادامه یافت. خدای با



**مسئله فرهنگ برای ابراهیم خیلی مهم بود، اینکه به نسل پس از خودش ابعاد و اثرات جنگ را بشناساند. اگرچه عده‌ای پس از تماشای مستند «شناسایی» به خاطر تلخی‌های زیاد این فیلم ابراهیم را متهم کردند که او ضد جنگ است**